

مرگ آیت الله منتظری و تداوم کشمکشهای درونی رژیم جمهوری اسلامی ایران

بدون شک در شرایط کنونی مرگ یکی از معماران حکومت اسلامی و مبتکر ولایت فقیه نمی تواند بر تشدید اختلافات نظام بی تأثیر باشد. با وجودیکه آیت الله منتظری بیش از دو دهه در حصر خانگی قرار داشت اما همواره بعنوان پشتیبان معنوی و تکیه گاه جناح «اصلاح طلب» رژیم محسوب می گردید. انتقادات سالهای اخیر وی از جناح حاکم، بویژه نامه به خمینی در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ از برجسته ترین اقدامات مثبت منتظری محسوب می گردد.

آیت الله منتظری و حاکمیت

در سالهای ۱۳۵۶-۵۷ به دنبال خیزش سراسری مردم ایران بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه، منتظری یکی از حلقه های اصلی سازش پشت پرده بین خمینی و ساواک بود. بنا به ادعای منتظری، وی در گرما گرم سقوط رژیم شاه برای دیدار خمینی عازم پاریس می شود. قبل از حرکت با تیمسار مقدم رئیس ساواک دیدار می نماید و پیامهای رئیس ساواک را به خمینی ابلاغ می کند. منتظری در صفحه ۲۳۱ کتاب خاطراتش موضوع را چنین نقل کرده است:

«... بعد در همان منزل آقای مطهری تیمسار مقدم با یک نفر به نام طباطبایی آمدند حدود سه ساعت صحبت کردند، آقای مطهری هم نشسته بود و بالاخره سه پیام برای آیت الله خمینی داشتند، وقتی من صحبتهای او را برای آیت الله خمینی گفتم ایشان تعجب کردند. خلاصه صحبتهای او در چند محور بود، یکی اینکه به آقای خمینی بگویند شما فرموده اید شرکت نفت اعتصاب کنند، آنها هم اعتصاب کردند ولی نفت هم مصرف داخلی دارد و هم مصرف خارجی، پس فردا زمستان اگر نفت نباشد در روستاها مردم خودمان از سرمامی میروند، آن وقت مردم به شما و روحانیت بدبین می شوند، مصلحت این است که شما تولید نفت را خودتان زیر نظر بگیرید و به اندازه مصرف داخلی تولید کنید که مردم از همین اول به شما و روحانیت و انقلاب بد بین نشوند، دوم اینکه ما در این مدت تجربه خیلی داشته ایم، مواظب باشید کمونیستها در کار شما رخنه نکنند، شما به خاطر دین و مذهب دارید فعالیت می کنید همان نیروهای مذهبی را داشته باشید کافی است، قیام شما یک قیام مقدس است ما هم به آن احترام می گذاریم ولی این کمونیستها از پشت خنجر می زنند مواظب آنها باشید، پیشنهاد دیگری که داشت این بود که می گفت: شما آخوندها چرا پول را صرف اشخاص می کنید، با این پولهایی که از وجوهات به دست شما می رسد مؤسسات مذهبی، دینی و اقتصادی درست کنید، با این کار هم اصل سرمایه محفوظ می ماند و هم با درآمد آن می توانید حوزه هارا اداره کنید...»

اظهارات فوق گواه این حقیقت است که مناسبات بسیار نزدیکی بین گردانندگان ساواک با خمینی و منتظری وجود داشته و صدا البته اینگونه مناسبات توسط ساواک نمی توانسته بدون اجازه و کنترل و نظارت غرب، بویژه آمریکا صورت گرفته باشد. از اینرو آقای منتظری نقش مهمی در سازشهای پشت پرده خمینی با دول امپریالیستی عهده دار شده بود تا با نادیده گرفتن پیکار ده ها ساله نیروهای انقلابی و مبارز ایران، مشتی عناصر مرتجع و وابسته به غرب بر اریکه قدرت تکیه زنند.

نقش منتظری در تثبیت موقعیت رژیم جمهوری اسلامی ایران

در بهمن ماه ۱۳۵۷ خمینی توانست با جلب اعتماد غرب، مبارزات سراسری مردم ایران را در جهت استقرار یک نظام دیکتاتوری - مذهبی سوق دهد. دیری نپایید که جلوه های شکوهمند قیام مردمی زوده شد و ترویج افکار و خرافات عصر جاهلیت جای هر گونه ترقی خواهی و نو آوری را گرفت. در آن هنگام خمینی برای پیاده کردن اندیشه های ارتجاعی اش نیاز مبرمی به ابزاری بنام قانون اساسی داشت. برای کامیابی و نیل به این هدف، عناصر کار آمد رژیم به تدوین «قانون اساسی» پرداختند. آقای منتظری یکی از نقش آفرینان این قوانین ضد کارگری و ضد مردمی بود و برای اولین بار اندیشه ارتجاعی ولایت فقیه از جانب وی طرح و تصویب شد.

ارتقاء منتظری به مقام قائم مقامی رهبر و تصویب جانشینی وی در مجلس خبرگان رهبری بخاطر نقش ایدئولوژیک و سیاسی منتظری در تحکیم همه جانبه پایه های حکومت اسلامی ایران بود.

سوابق تاریخی ارتجاع بر علیه نیروهای مترقی

مخالفت خمینی، منتظری، جریان سبز و سایر عناصر ریزودرشت رژیم جمهوری اسلامی ایران با نیروهای بالنده جامعه به جنبش مشروطیت باز می گردد. در دوره مشروطیت مبارزه یک محتوی مترقی و مدرن داشت، به همین دلیل جنبش مشروطیت توسط مخالفینش به رهبری شیخ فضل الله نوری و دیگران بطور دائم مورد حمله کینه توزانه قرار می گرفت. در دوره رضا شاه و محمدرضا شاه نیز محور مبارزه مرتجعین بیشتر بر علیه نیروهای مترقی جامعه قرار داشت تا بر علیه نظام دیکتاتوری شاهنشاهی. با وجودیکه یکسری اقدامات ظاهری توسط آنها بر علیه حکومت وقت صورت می گرفت اما همواره با روح مشروطیت و دمکراسی مخالفت داشتند. در همان دوران یکسری اقدامات به ظاهر مدرن نیز توسط رضا

شاه و محمد رضا شاه صورت می گرفت. اینگونه مدرنیسم و ترقی خواهی نیز نمی توانست عمق و تأثیری در جامعه داشته باشد، چراکه آن مدرنیسمی که توده مردم محرک آن نباشند و نتوانند نقشی در کم و کیف آن ایفاء کنند جنبه ترقی خواهی ندارد و از محتوی تهی خواهد بود.

از اینرو نقش آقای منتظری در رساندن پیام تیمسار مقدم به خمینی مبنی بر اینکه «مواظب باشید کمونیستها در کار شما رخنه نکنند» امری اتفاقی و از روی سادگی ایشان نبوده است. منتظری خود یکی از رهبران و مبلغین جامعه دینی و از ادامه دهندگان راه شیخ فضل الله نوری و آیت الله بروجردی محسوب می گردید.

هم اکنون دره عمیقی بین نیروهای مترقی و مرتجع جامعه وجود دارد. عناصر تشکیل دهنده و رهبری جنبش سبز در تدارک هستند تا باردیگر افکارو اندیشه سیاه خود را به مردم ایران تحمیل کنند، همان مرتجعین پیرو شیخ فضل الله نوری ، آیت الله بروجردی و امثال آنها می باشند. اختلاف اصلی امروز نیروهای مترقی جامعه با مرتجعین نیز در همین واقعیت نهفته است. رهبری جنبش سبز همان جنبش سیاه خمینی و اسلاف وی می باشد که از یکسو خود را پیرو خط امام معرفی می کند و ازسوی دیگر به تجلیل از منتظری پرداخته است که برجسته ترین اقدام آیت الله منتظری در هنگام زنده بودنش مخالفت با خمینی و فاصله گرفتن از خط وی بوده است. گردانندگان مرتجع جنبش سبز اکنون منتظری را سمبل پایداری مردم ایران معرفی می کند، چراکه هدف آن است تا از اینطریق نقش مبارزین واقعی و اسطوره هایی را که در گورهای زیر و رو شده خاوران به دست خود اعدام شدند نادیده بگیرند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۴ دی ۱۳۸۸ - ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21

Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de